

روزنامه رسمی گشور شاهد

خارجه که نصو شده	خافت مرسوم میرزا آفای کازرونی مسبوق آن آدم در دوره استخدام مقاماتی بوده است
(بعضی گفت) رئیس - موافقین با ماده و کبود خواهند (در اینم عمل آمده شد عده هلا	در تبعه وقتی که از دنیا نفر نانهوز باشد وضع گذارد هر چیز میکنم این رو میصدو بیست و یک خارجه داخل خدمت شده
(ورته رئیس - تصویب شد اسامی م میرزا داور هاشم ملک آرا سالارشکر حاج سیدالم唧 اصالتوضیاه شیخ الاسلام ملا حاج میرزا مخد حبیب صدرائی احباه السلطنه خان تندیں حاج شیخ عبدال دیوان بیک گی استوان - آقا میرزا آقا الله خان اسکندر فتح الله میر اسلام - معظم آقا سید حسن خان خوئی ملک الشعر یونیلملک - بهبهانی آقا میرزا شیخ الرؤس - آقا میرزا رضا خان هلائی سالار ا میرزا یحیی دو میرزا رضا خار الغین قوام الدین عظیمی ماقبال اعتبار دوله آقیان محمد عالی المول رئیس - راجح بانجعه آفای حائزی همین شکل طریق کانو پکوفتن	صال بسم اتابکه زنرال مامور شده است بعد در نیابت زنرال فنسوالگری است در سنه ۲۷۹ بسم آباد مامور شده بعد از سمت و پس فنسوالگری در سنه ۲۹۴ کارگذار از ۳۰ کارگذار سیستان گذار فزوین شده است بادگوبه شده است باز در گشته و کارگذار فزوین ۳۶ بسم ریاست وزارت خارجه شده است در خارجه سمت کفالت اداره نه و بعد در همان سمت زم سیاسی را پیدا کرده سمت ریاست کمیسیون داشته است و بالاخره در پریست کل وزارت خارجه اینکه این مقامات را داشته از دنیا میروند علاوه بر قرض میگذارند و باید برای برداشت جنازه اش ای اینچه در مملکت وضع جهاتی که قانون وضع می قانون استخدام برای این که اینرا حل را در دوره آن طی کرده اند (در صورتی تفاذه بودند میتوانستند بک خودشان درست بسکند) نی و صداقت خدمت کرده ارند و فقط بهمان حقوقی ایمداده است احکمه راین قبل موارد باید او صداقت و امانت تشویق بنده تهدود میکنم یکی از وهمیق پول داده خواهد داست و چنانچه در این ماده نمایند نایخور دارد و علاوه این نهست و از اعتبار بودجه وزارت

لرده پنجم  
شده یزدانخانه خواهد  
اکرات کافی است )  
گرفته میشود آقایان  
ورقه سفید والاورقه  
استخراج آراء  
اینطور حاصل  
۶۹ ورقه سفید  
قبول ۶۹  
هلامت رد (۳)  
حضرات ۶۹ رأی  
آن • آقایان سليمان  
میرزا سید حسن کاشانی  
جند • شیروانی • نجات  
الملک • امین الشریعه •  
معاضد السلطنه • اسماعیل  
لطفیاء • سردار معتمد  
دکتر امیرخان اهلم •  
شا • آقامیرزا محمد  
میریعت زاده • دکتر  
رملک • آقامیرزا عبدالله  
میرزا سليم خان یزدی •  
روحی • وحید الدوّله  
صدر العلماء • مفتی  
میرزا عبدالله خان معتمد  
سردار منصور - سبف  
هرمزی - رهنما - صدر -  
سلطان - سه را بخان  
ذعیم - آقامیرزا جواد  
ناصر الاسلام نظام التولیه  
آقای - آقامیرزا سید احمد  
هاب الدین - آفاسیخ هادی  
امیرزا احمد - احتشام  
ن افشار - آقامیرزا احسین  
- حاج مشیر اعظم - حاج  
آبادی - مستوفی الممالک  
سکمت - آفاسیخ جلال -  
- مقوم الملک - اخگر  
سردار نصرت امیر احتشام  
بن آفاسیخ فرج الله - آفاسیخ  
آفاسیدیمه قوب  
بر کمیسیون قوانین مالیه  
دو شکر مطرح است  
یزاده (اجازه)  
یکچهله بدیهی است که  
متاجات دنیا عوض شده  
باهم عوض شود

مالیات صنفی که مددوهفتاد و هفت قلم  
مالیات برای انها معلوم شده است  
یک چیزهای که حقیقتاً انسان خجالت  
میکشد ذکر کند  
این هارا بعنوان مالیات مبکر ند صورت  
انواع مالیات هار که از دولت خواسته اند  
این صورت هارا فرستاده  
مالیات دارووه گئی.  
موضوع دارووه ازین وقت است  
مالیاش هست  
احتساب اعطای مالیات سپاهها.  
سپاههای که از افریقا بادرجنوب می  
آمدند انجا یک مالیاتی از انها می گرفتند  
مالیات گله داری.  
کوه چر علف چره حق المرتع گاو داری  
کتمان معنایش یکی است.  
ولی با اسامی مختلف این مالیات ها  
گرفته می شود.  
مالیاتی مشتری در بندریلیم و بندریک از  
هزار ۴۲ من باریکه خالی می شود ۱ من  
بر می دارند.  
این اسمش مالیات مشتری است.  
رسوم مفره که در تویسر کان معمول  
است.  
خدمت بهاء این مالیاتی است که در  
مازندران می گیرند.  
بول دوزنامه،  
یک روزنامه در عهد استبداد بوده  
است و بعدم تعجب می شده است بولشن  
هنوز از مردم گرفته می شود  
یکنفر از همایندگان این ها از  
موضوع خارج است.  
حائزی زاده از موضوع خارج نیست  
رسوم است وزیر و مستوفی های  
محلی.  
رسوم تذکچی گری، فراؤی، باج  
فیلی، چوب داری، گوش خری، حلال مالیات  
های که مفترع بر مالیات فانوی شده است  
یک مالیات تحدید تریا کی یک روزی از  
مجلس گذشته است و عمر آن هم منقضی  
شده است که باید دولت یک شکل دیگری  
ییشنهد کند آن وقت یک مالیاتی دیگری  
هم بر آن اضافه شده است.  
فروش شیره خودش یک مالیاتی پیدا  
کرده حق مهر خانه یک مالیاتی پیدا  
کرده،  
ایارداری یک مالیاتی پیدا کرده.  
تریاک مالی.  
در صورتی که تریاک مالی خودش یک  
کسب یافته است ولی دولت انصرهار بخودش  
داده و یک مالیاتی برای خودش پیدا  
کرده.  
حقوق معاشرت از حمل تریاک و شیره  
باشد.  
معلوم می شود که هر کس باید باشد  
حمل کند اگر نتوانست پیدا بوده  
خواجی اینارمودت.

نمایشی پیدا میکند  
شهریک مغارجی پیدا میکند  
ایالت و ولایت یک مغارجی پیدامی  
میکند، وهم یک مغارجی پیدا میکند.  
مخارج مملکت واباید اهل مملکت  
بدهنند.  
مخارج ده راهم باید اهل ده بدنه  
مخارج ایالت و ولایت راهم باید همان ایالت  
و ولایت بدنه.  
اینراهم تصدیق دارم که یک رشت راه  
راه آهن که در دور ریا مارا به متصل کند  
یک خرج مملکتی است و یک خرجی نیست  
که بگوئیم فقط کسانیکه از این راه  
استفاده می کنند و در طریق ایران واقع  
میشوند یکی از کسانی که مصالحه ای این راه  
این راه وارد میشود یا صادر میشود نفع و  
ضرر را مقابل شود.  
زیرا اگر این راه یک اقتصادی تنها  
بودنده متفق بودم که این مالیات برای  
اینراهم فلطا است و کسانی باید بدنه که  
از این استفاده می کنند  
ولی چون در مملکت ماراه آهن نداریم  
و یک راه آهن گرد و در ریا را بهم متصل  
بکند  
انشعاع سبستانی هم روح ازان متفق  
میشود باید خرج ساختن اینراهم او هم  
بدهد  
بس حالا که مامله شدیم این  
مالیات را امروز دولت پیشنهاد گرده دد  
نام چهار دوره پیش هم هر روز یک مالیاتی  
مطابق اصول امروزه پیشنهاد گرده.  
ولی یک لایه از طرف دولت در این  
چهار پنج دوره مجلس اندیشه ایم که این مالیات  
های کثیف قدمی را لغو کند ما یک  
زندگانی شتر مرغ بخود گرفته ایم  
از یک طرف می گوئیم مملکت این  
مالیات های جدید را از طرف دولت در این  
از یک طرف میگوئیم ایران هنوز  
چوب و نملک و همان مالیات های سرشماری  
را باید داشته باشد.  
بنده امروز رفته از اداره تدقیق صورت  
مالیات هارا گرفتم که بعض افایان بر سام  
ما گچهار میلیون و هفتصد هزار تومان  
و کسری مالیات اینچهاداریم و صحن می کشم در  
دو مقابض خوبست این مالیات های کثیف  
قدیمی را هم که از سبصد چهارصد هزار تومان  
تجاوز نمی کند لغو کنم.  
یکی از همشهريها می گفت در دوره  
استبداد یک کس را چریمه میگردند صد  
تومان ازش می گرفتند بعد یک هیا باو  
جهلت می دادند او مور میشد که افلا یک هیا  
و خلقت داده اند.  
شما هم در مجلس نشسته اید هی مالیات  
وضع می کند خوب است یک هیا هم خلقت  
بمردم بدهید مالیات هایی که این جامی ویس  
سرانه، خانواری سرشماری بذرگاری  
گاوینهی حق الارض.

نمایش دولت چه فکری گرده.  
این لایه فقط یک جنبه مالیاتی نداشته که  
که بسیرون فواین مالیه بر قبیل رایورتی  
تقدیم مجلس کرده است  
حالا آن موضوع را آقای رئیس لابد  
عمل می کنند  
حالا مطرح شده است اولاً تجارت  
دولت یقینه من در تمام دنیا ضرردار و  
آن نظریکه، افلان سرمایه دار یا یک شرکتی  
برای تجارت دارد دولت آن نظر را نمی  
تواند اشته باشد.  
دولت برای تجارت خرج زیاد می  
کند آتشکلی هم که مملکت باید منتفع  
شود نمی شود.  
مایا یکی برای بیکارها کار پیدا  
کنیم این که یک دسته هم که کار کتب  
دارند بیکارشان کنیم.  
جمعیتی هستند که تجارت چای میکنند  
تجارت شکر میکنند آینه را دولت  
استخدام می کنند  
ما امتحان حکر دیم و دیدم دولت آنها  
حمل و نقل تریاک را بخودش داده یک زحمتی  
برای تجارت درست گرد.  
مال التجاره آنها دیر به قصه میرسد  
کرایه زیاد از آنها مطالبه میگردد و  
وهیشه عدم رضایت مردم از مالیات تجدید  
تریاک یک قسمیش برای هیچ نطبقاتی  
بود که اداره تردید می گرد و دولت حکل و  
نقل را بخواست بخودش انحصار بدهد  
تریاک مالیش راهم حمل و نقل را  
را ابزار دارش راهم دولت میخواست به  
خودش انحصار بدهد و این مسئله تولید  
زحمت کرده بودمن یقین دارم اگر این  
مالیات بشکلی مرتب شود که هیچ وقت  
توابع زحمت و شکایت نکند عیبی ندارد  
ولی وقتی پنهانه زار از کسی بخواهد  
بگیرند که چند روز وقت خودش را صرف  
کنند صدایش بیرون می آید  
ولی اگر یک نومان بگیرند و این  
زحمات زانداشته باشد هبجوقت صدای  
مردم بیرون نمی آید.  
چندی قبل بود که راجع بعمل و  
دولتی خجال میکنم آقای شیر وانی بودند  
یک لایه تنظیم کرده اند که باید از اول  
سنه حاضر این اداره منجل شود جون  
تولید زحمت کرده بود.  
خرج زیادی برای دولت داشت فایده  
هم نداشت  
این لایه هم که حالا به جاس آمد  
دولت خربه داری و نگاهداری و ابزار داری  
و حمل و نقل و صادر کردن وهم چیز را  
وهم چیز را منحصر بخود گرد و بعده  
بنده این یک کار خوبی نیست و بمنفعت مملکت  
نیست  
اول باید فتحید مالیات برای چه می  
گیرند؟  
وچه چور باید بگیرید مملکت یک

نوشه بودند ایران باید طرزند گانیش را  
عرض کنند.  
بنده معتقدم ب تمام معنی باید عرض کند  
نه اینکه بگش راه عرض کند بگش راه عرض  
فکند.  
اموال بانده باره آهن موافق هستم و  
بایدهم موافق باش و در این مجلس هم گمان  
نمی کنم مخالف داشته باشد  
در مملکت هم شاید هایی نداشته باشد  
از طرف دیگر در این که باید از اجناس  
که وارد مملکت می شود و مخارج وصولش هم  
گمراخ از گر دولت خواسته باشد یک حقی  
بگیرد و امنیتاده بگزند ما بیشتر باید موافق  
کنیم در این هم تردیدی نیست.  
قدوشکروچای که وارد می شود اگر  
صدی دویست یا صدی سیصد هم برق  
گمراخ آن اضافه می کردند بنده موافق  
بودم.  
چراچون یکشاهم خرج برای مالیات  
نیکرد و همان مامورینی که بودند من  
گرفتند.  
بیشتر عذری پنج قران می گرفتم حالا  
یازده قران بگیرند بمردم هم ضرر زیادی  
وارد نمی شد.  
برای این که بطور غیر مستقیم کسانی  
که امتحان حکر دیم و دیدم دولت آنها  
بول میدادند حالایکه در همینجا  
چندان زیاد نمی بود.  
زیرا این کرایه های گزافی که داده می شود  
یک چیزی هم که بر گمراخ افزوده شود چیز  
مهی نیست و خوبی بهتر از این مالیات های  
کنیف قدیم است  
ولی مایل ورق تجدد امی خواهیم ورق  
دیگر شزانیم خواهیم مالیات های طرز جدید  
را که علماء امروز پسندیده اند بخواهیم  
وضع کنیم  
ولی آن مالیات های کنیف قدیم رامی  
تعیینهواهیم لغو کنیم.  
بنده با مالیات قندوشکر موافقم باره  
آن هم موافقم  
ولی با این لایه مخالفم بعلاوه یک  
عیبی دارد که باید این لایه هنوز در  
مجلس مطرح شود و نمی دام آقای رئیس  
چطور این قضیه را حل کرده اند این مسئله  
یک چونه اقتصادی دارد و فقط یک قانون  
مالیاتی نیست انحصار دادن تجارت مهمی  
بخود دولت و بلا تکلیف گذاردن یک عدد  
فیادی در این مملکت که گدانی نمی  
گشند و اینشان تا هر است  
ولی واقعاً دلال هستند این یک چیز  
خوبی ساده نیست که ما آفرامالیات فرض  
کنیم  
این باید بگمیسیون فواید عاده برود  
و در اطراف این مطالعه شود بینند پسر را قتصادی  
برای تجارت دارد یانه و تجارت از کار بیکاری  
شوند یانه؟

حق تقدیش کارخانه حق مایندگان  
کرده اگر ۱ من دو قران

تبر اظهار نامه زراعت نریان

اجازه دار کردن واقعه و خود را خواهد

نماین کارخانه ای است که آنهم مدش

مخفی شده در صورتیکه اسلام باشد

آن قانون را ببرون آورد آن وقت دولت

دیناله و شاخه بر کار پرداخت کرده

مشور کویریزی

بول دود.

اظهار نامه کویریزی.

مالیات فپان کارخانه

کدر هر شهری بکشکی

گرفته شود و خوش بخش نمیگذارد

چند روزیش خدمت آفای اجاق بود

یکصدسته قبوض صد بیانی

از جیبان در آوردن که این قبوش آن

جزیان اداری که در وزارت مالیه دارد

هیمن بانها بالکه بیشتر تمام شده

مالیات نماره

سک تراش و امثال ذالک لینه مدد

هفتاد هفت قلم مالیاتی ایستکه خود

دولت بیشتراد کرد.

بس آن انکه مجلس مالیات بر ممالات

را تصویب کنند اینها را لغو کند و بنده

با این لایحه در صورتیکه بکار پاریز

شانه بکار خواهد بدانسته شود می توام

موافت کنند.

ولی حاضر نیست رائی بدهم که این

کندست کرد هرآنچه که سالی

یول باشند هزار تومان و کسری

معلوم شود بدروز کسر بودجه بخورد و همان

مالیات های کثیف قدم هم بحال خودش

باشند.

یکی ایشکه دولت خوبی برای این

مالیات درست نکند بکار که این

قند کند درست نکند و بکار میزشند

و اجازه خروج جناء را هم می دهند

کوینده.

چنانزه را حمل و نقل میکنند آن

هم یک مالیات دارند

برای اینکه آفای جناء را تاجر میفرستد

در جواب بکاره اکنند که این مالیات

محصول راه آهن است و این مالیات

هایشکه لتوی شود ممکن است بکضری

مالیات های جدیدی وضع کنند

ریسید و بکند همین میزشند

ویله راه آهن دارند

بنده معتقد که همین امروز باید تکلیف

اینها را معلوم کنیم و لو اینکه امن دو

قران قند و شکر را ۱ من ۲ دیال

بنکنند.

دویزه دستی گردیده بکاره ای

از قندشکر بوسیله افق امن فران

مایه باشند و شهزاد

کفایت این میز و صندلیها را هم بکنند

و اکر منصر یعنی کارهای را شد تجارت

تکیه دارند آنها مکرر بند تجارت

در نظر داشته است و این راه برین راه

ما داشته است که یعنی بکاره بفریاد

و این مالیات های کیفی که درین لایحه

دولت پیشنهاد کرد به بدهی است که این

بردارد اداره هیچ خرج ندارد تقاض

هایم دارند اذانت باشند این بکاره

هر سیال قبل و ظرف است هایی ملحت دار

در غرفه خودشان پروردانه اند و امروز

و شویخانه تجارت باشند بتجار

عمل گذاشته شده است یعنی مجلس شورای

ترین مالیات خواهد بود که در هیچ دفعه

ناراد در موقع ورود مامور کمرک تقاض

خواهد بود و بکار میهی است و چنانچه

اجازه دارند که پیش از جواز باید

پس تصور میکنند این راه برین طبق

کنند راه آهن اول چیزی که اینها میگویند

و پولست ۳۰۰۰ باشند

بلاطه در خود قانون هم تصریح شده

است که دولت اجازه خواهد بفریاد

میبینم مستلزم ایشان شهادت ۴۰۰

درین خروج نیست

بکاره دارند که اینها میگویند

و اینها میگویند راه آهن ایشان

باشند و بکاره میگردند

و اینها میگویند اینها میگردند



اسمی رای دهنگان

آقایان : سالار اشرف، افشار، آقامیرزا شاهزاده، آفایشیخ جلال الدین آفایان، آقا شیخ هادی، آقا میرزا سید احمد، آقا شیخ هادی، آقا میرزا سید احمد، احتشام‌الحكماء، ضیاء‌الاطباء، شهرابهان، فتح‌الله میرزا، آقا میرزا مهدی‌الله، محمد، آقا میرزا جوادخان، سردار عثایر، حاج میرزا رضا شیرین‌مبارز، نظام‌التسولیه، شورشتری سرکشیکزاده، مساوات، یمن‌الملک، مقوم‌الملک، رهنا، اشگر، شاهزاده سلیمان‌میرزا، اعتبار‌الدوله، صردار‌آخر، مستوفی‌المالک، مشیر‌الدوله، سردار‌منتصب، دوازدۀ آبادی، علائی‌ماوتی، دیوانی‌گی، کی استوان، معظام‌السلطان، ارباب‌کمپس و رسانی - تدبیر، آفایز، یدالله خان، حاج شیخ عبدالرحمن، احباب‌السلطنه، ایزدی، مقتنی، شرمت، زاده، حاج میرزا السالک‌خان، اعلم، قائم مقام دیبا، دستکرامر خان، سهام‌الملطان، تجدد، میرزا علبرضا، سهراپ زاده، دریج، روحی، صدرالی، سهراپ زاده، دریج، میرزا علبرضا، سهام‌الملطان، امیر‌اعشاهم، عصایا، ملک، امین‌الشریعه، آقای‌باریم، زبع، ناصر‌الاسلام، فیروز میرزا، آقامیرزا سبدحسن کشاونی، آفایز، باقرخان، رفیس، آقای طهرانی، (اجازه) آفایشیخ‌محمدعلی طهرانی -

چون حالا وارد درستوری شونی شوند بندۀ خواستم آقایان محترم را تندکر بدهم بعوادي که در این ایام نسبت‌بتریز از ایل پیدا شده، پارسال که می‌بل آمده بود تقریباً یک میلۀ شهر را خراب کرده و اتفاقاً در این چند روز‌سیل برگردگی آمده و محله‌مار الان را که از محلات‌عالی تبریز است خراب کرده واکثر ازخانهای شهر را آب‌گرفته و خسارت زیادی برآهایی وارد آورده خواستم تقاضا کنم در این موقع که هیئت دولت هم تشریف دارد می‌لطف تووجهی نسبت‌بتریز بگفتند و لیکن سیل‌گیری نهیه نهایند که اسپاگ این همه شده نشود و همچنین نسبت‌با شخصی که پریشان شده اندسامتد بگفتند دستورهم لایجه نهند و شکر آفایشیخ‌یعقوب - لایجه القاء یوست بره جزء دستورهم بود اشکانی هم نداده استهداه من کشم برای جلسه‌آبیدر (جله)، نیسافت بعدازظهر ختم شد) ویس مجلس مقدس شورای مملی

حسنین بیر نیها

منشی - م شهاب

منشی - د کنراحتشام طباطبائی

تکلیف پیشنهاد آقای طهرانی معین شود

رشیس - تقویت شد.

متلا اگر مداخله کردند در میاست

رشیس - تقویت شد.

آنوقت به باید شود؟

آقای طهرانی، پیشنهاد کردند بودند

رشیس - تقویت شد)

لهذا بندۀ پیشنهاد کردند که اگر از

رشیس - تقویت شد

رشیس - آقای رضوی

جاده، پازدده، حاده، هارضی، عرضی

نادر

رشیس - آقای رضوی

آقایان :

آفایشیخ

جلال الدین

آفایان

آقا شیخ

هادی

آقا میرزا

سید احمد

آقا شیخ

حاج احمد

احتشام

الحكماء

ضیاء الاطباء

شهرابهان

آقا شیخ

جلال الدین

آقا شیخ

عبدالرحمن

آقا شیخ

جلال الدین

آقا شیخ

آقا شیخ

آقا شیخ

آقا شیخ

آقا شیخ

رشیس - تصویب شد.

رشیس - تصویب شد.

رشیس - تصویب شد

آقایان :

آقا شیخ

هادی

آقا شیخ

حاج احمد

احتشام

الحكماء

ضیاء الاطباء

شهرابهان

آقا شیخ

جلال الدین

آقا شیخ

آقایان :

آقا شیخ

هادی

آقا شیخ

حاج احمد

احتشام

الحكماء

ضیاء الاطباء

شهرابهان

آقا شیخ

جلال الدین

آقا شیخ

آقایان :

آقا شیخ

هادی

آقا شیخ

حاج احمد

احتشام

الحكماء

ضیاء الاطباء

شهرابهان

آقا شیخ

جلال الدین

آقا شیخ

آقایان :

آقا شیخ

هادی

آقا شیخ

حاج احمد

احتشام

الحكماء

ضیاء الاطباء

شهرابهان

آقا شیخ

جلال الدین

آقا شیخ

**یکصد و هشتادمین**  
**صورت مشروح مجلس**  
**پنجمین دوره سی و پنجم**  
**اردیبهشت ۱۳۹۴ مطابق**  
**بیست و هفتمین شوال**

۱۳۶۴ ( مجلس دو ساعت و دیگر )  
 از ظهر برایست آقای آقا پیرزاده  
 حسین خان پیرنایاشکل گردید  
 ( سورت جلسه شله بیست و تهمانی )  
 وهم ارادی بهشت آقای آقا  
 پیرزاده شاهاب فرائت نمودند )  
 رئیس - آقای دست غیب - ( اجازه )

دست شنبه پنده قبل از استور عرض  
 دارم . - آقای حائری زاده .  
 رئیس - آقای دامغانی .  
 ( اجازه )

حائز زیارت - بعداز تصویب صورت  
 مجلس عرض دارم .  
 رئیس - آقای دامغانی .  
 ( اجازه )

آقامیرزا باقر خان عظیمی - پند  
 راجع غایبین از اجازه توشه اند در -  
 صورتی که پنده اجازه گرفته بودم .  
 چون درفلان موضوع شوال داشتند  
 نظر در نظامنامه داخلی بیشینه  
 که وزراء پیش از مددوه شدند .  
 رئیس - از کیسیون تحقیق میشود .  
 اگر اشتباهی شده باشد اصلاح میشود .  
 ولی هوزیر آن بهشت داده .  
 رئیس - آقای کارزویی .  
 ( اجازه )

سازارونی - بعداز تصویب صورت  
 مجلس عرض دارم .  
 رئیس - آقای آقا سید یعقوب .  
 ( اجازه )

آقاسید یعقوب - در جلسه قبل پنده  
 تفاضا کرد که بودم لایحه القاء منع صدور  
 معافون روزات داغلخه - این اواخر در  
 یوست برجه زمزه استور شود و مانند نداشت  
 جواب شوال یکی از نایابند کان مختار  
 راجع - حادثی که در صفحات ترکمان  
 رئیس - بیشتر از اداره بوده .  
 صورت مجلس ابرادی نداده بوده .  
 ( گفته شد خبر )  
 رئیس - آقای دست غیب .  
 ( اجازه )

دست غیب - این از از از از از از از از

**روزنامه رسمی گشور شاهنشاهی**

روی ماده اول آن یکصوالي کردم و برای بشود .  
 در خطوط بخطور و خطوط استراباد  
 در مجلس هست ) همه اصرار ضم کند و رماده  
 اول گذشتند نهایت در آخر مجلس  
 کرده بودند و بحال تعریض بیش می آمدند  
 درجه همچنان دفع شده اند .  
 مطلب اولی که می خواستم هر چند کنم  
 این بود که بایستی بکیانی قراموای نهاد کر  
 بدنه .  
 تقربیاً نهاد کرده بودند .  
 ( مجلس دو ساعت و دیگر )  
 از ظهر برایست آقای آقا پیرزاده  
 حسین خان پیرنایاشکل گردید  
 ( سورت جلسه شله بیست و تهمانی )  
 وهم ارادی بهشت آقای آقا  
 پیرزاده شاهاب فرائت نمودند )  
 رئیس - آقای دست غیب .  
 ( اجازه )

آن و شوشه گردن رامها یکی از چهارمی  
 است که علاقه مندان باین مملکت با آن  
 ملاطفه می باشند و در اینکه اگر دولت  
 بخواهد راهنمایی بسازد و با احداث گشته  
 یک منابعی لازم دارد که هر ایده را بصرف  
 این کار بر ساند حررقی بست .  
 حالا بضرور دولت رسیده است منبعی  
 که می تواند همچنان اگر که و صرف این  
 کار کشند انصصار قندو شکر است که عوائد  
 آن را می تواند صرف احداث خط آهن  
 که اسباب پیشرفت روایت مملکت است  
 بشماید .  
 ولی اینه آقایان تصدیق می فرمایند  
 یک چیزهایی که انسان را مجبور می کند  
 باقداماتی تا حدیکه انسان را مجبور میکند  
 مجبور است عمل کنند ماجه بخواهی دولت  
 چه می خواهد ؟  
 دولت می خواهد یک منابعی بیندازد  
 وعواید آن منابع را صرف ساختن راهها  
 نماید .  
 این مسئلله بالاندازه که الزام آور است  
 این است که حقوقی آن فند و چه گرفته  
 شود .  
 وباين صرف بر سرده .  
 دیگر این مسئله الزام آور است این  
 است که حقوقی از قند و جای گرفته شود  
 باين صرف بر سرده بدل و نقل میشود .  
 خاطر آقای کارزویی است  
 این کند که یک شاهزاده ای بر مردم دهندگان  
 این میلایت وارد آیده .  
 این کشته از آنکه ما امتحان کرده ایم  
 که همیشه دولت در هر زدراحت را تجارتی که  
 وارد شده است ضرر ساخته است دولت  
 نمی تواند اجره ملکت خودش بشود .  
 نمی تواند از اعوام ملکت خودش بشود اینجا  
 هم دولت نمی تواند این تجارت را بکند  
 وبنفع خودش تمام کند .  
 کشته از این یک شاهزاده ای ازین راه  
 که همیشه دولت لو همینقدر باشد که  
 تاجر قنده یا اشخاصی که می خواهند از این  
 راه کسب حکمت بر ورن و اجازه بگیرند .  
 گذشتند از این اشخاصی که بسته یک میزهای  
 منشی شدند برای سادر کردن راه از این  
 ترتیب دادن یک اوری برای عالم اغلب  
 آنها از قانون سووه استفاده میکنند و سووه  
 استفاده آنها راجع بر مردم است .  
 که یک ماده هم در این قانون هست بگویید  
 پیش از احتاج ملکت را دادت حق دارد  
 منع کند و بنده تصویب میکنم دیگر  
 این کرات را کافی می دانند قیام فرمایند  
 برای مردم تو بله میکند  
 بنده تصویب شد .  
 موقع باشد .  
 رئیس - آقایی که این زمام گرفته می  
 شود .  
 مذاکرات را کافی می دانند قیام فرمایند  
 برای مردم تو بله میکند  
 وسیله ای برخاستند )  
 ( چهی برخاستند )  
 ( اجازه )  
 آقایی سید احمد بهبهانی - البته  
 که تا این اندام هم اتفاق کردیم مذکور  
 موقن شدیم و این خلبانی بداست و بقیه  
 واکرهم مقصود ترازیت است که ماده

کنند. یعنی باید قبول کنند که حق حمل و نقل  
و اینباره نوشته شده از آنها بگیرند.  
گذشته اذاین اگر بنا باشد آفایان  
انحصار را تصویب کنند دیگر حمل و  
نقل و مسئله اینبار کردن و این گونه امور  
بچه مناسب اختصاص بدولت داشته باشد؟  
تاجر مختار است هر طور که بهواهد مال  
التجاره اش را حمل و اینبار کنند و این مسئله  
باعث می شود که یک فشارهای فوق العاده  
بر مردم و اشخاص که میخواهند از این راه  
کسب کنند وارد آید.  
ملکت ماسک یک راههای کسبی  
ندارد وقتی که نباشد این فشارها بردم  
وارد شود یک ضررهای اقتصادی بهملکت  
در صدور آن مختار هست و کسی حق ممانعت  
نداشت دولت نگلدارید  
آنوقت من قند وارد می کنم و بگویم  
در صدور آن مختار هست و کسی حق ممانعت  
نداشت افایان نمایند گنای که این را تصویب  
می کنند خوش آیند نیست.  
وزیر فرانه هامه - چه در ضمن شود  
در کلیات و چه در ضمن شور در ماده اول که  
مجدداً مباحثات منوجه کلیات می شود تعریض  
میشود که چرا این مالیات بعنوان مالیات  
انحصاری اخذ می شود  
در صورتی که ممکن بود از هر مقدار مال -  
التجاره که وارد می شود در سر حد یک  
حق بگیرند وارد کنند  
بنده هر سی کنم که این عمل ساده  
که هر کس شاید نیمساعات فکر کنند  
بنظرش میرسد مشکل ایست و یک فکر  
خیلی مهمی هم نیست  
فرای پس از مطالعات زیاد معلوم شده  
که آن ترتیب عملی نبود و در اثر مطالعات  
زیاد اینطور نتیجه گرفته شد که این آرزوی  
دیرینه تمام ایرانی های وطن پرست که از  
قندوچای و شکر مایباتی گرفته شود و صرف  
تأسیس خط آهن شود برآورده نمی شود  
مکرر بین طریق منحصر بفرد که انحصار  
باشد  
دو راه اکرم این عوایم این عوائد  
را داشته باشیم واذ آن عوائد راه بسازیم  
باید انحصار را قبول نکنیم ولو با تمام  
زحماتی که فرضیا هم شاید برای مردم  
ایجاد شود  
در صورتی که دو جلسه گذشته در ضمن  
مذاکره در کلیات بنده عرض کردم که هملا  
هیچ نوع ذمته برای مردم نیست که تجارت  
قندو شکر و چای هنر ساقی پنجاه شان خودشان  
مشغول خواهند بود و راجع بحمل و نقل  
شاید این انحصار قطع همین نوشته شدن  
روی کاغذ باشد و در عمل دولت یک سپر  
قند هم حمل و نقل نکند  
ولی این اختیار از نفعه نظاعملی شدن  
این قانون لازمت مقصود این نیست که  
دولت یک اداره حمل و نقلی برای قند و چای  
ایجاد کند  
ولی وقتی که اصل انحصار را قبول  
کردید باید نصام فروع آن را هم قبول







استفاده میکنیم چهار روز دیگر میآوریم  
چایش میگذاریم .

بنده از هیئت دولت معظم استدعا  
میکنم که خودشان نظر کنند و طوری راه  
راست کنند که من بعد یعنی بعد از پنج سال  
ده سال دیگر کسی این اندیشه را  
نمکند .

من حقیقت فکر درستی برای اینکار  
نکرده ام ولی چیزی که بمنظلم رسیده و حالا  
عرض میکنم منحصر آین است که ما پلک  
بانک ملی داریم (دولتی) حالاتی شده شرط  
شرط شده هر کدام ریکجاوی فرار گرفته بسیار  
خوب است یا نه اجزاء متفرقه این راجمع  
کنند و پلک بانک ملی تأسیس کنندوا این پول  
رانهول بانکملی پدھند .

از یک طرف دارای بانک باشیم و سپهله  
صرافی و معاملات مملکت را با آن بانک  
اداره کنیم و از طرف دیگر آن پول هم  
 دائم همینطور وارد این بانک می شود و  
خارج می شود و همینه این سرمایه ملی در  
بانکملی خواهد بود .

بنده خیال میکنم این قرایب شاید  
قدرتی دورتر از خزانه دولت و بودجه باشد  
عرض کردم بنده فکر نام و تمامی نکرده ام  
ولی هجاتا اینطور بنظر بنده مهر سد که  
عرض کردم .

این قسمت قسمت دیگر میگوید :  
با استثنای آن مخارجی که در ماده پانزده  
ذکر شده یعنی صد پانزده بنده هر خوش میکنم  
لازم نیست از این پول که از معاش مردم  
بدبخت گرفته می شود برای اینکه بعد از  
این درصایه راه آهن خوشبخت شود پلک  
مقداری را می بینیم خرج مؤسسات بگفتم  
و آدم بیکار بنا بر سایم بنده هر خوش میکنم  
برای اینکار پانزده هزار تومان در بودجه  
منظور شود کانی است که در ادارات مالیه  
سرحد پلک دفتر به توسط پلک منشی ایجاد  
شود :

من بطور مقاطعه قبول میکنم حکم  
بیمه هزار تومان بیشتر نشود شما پلک  
میلیون تمام یا هشتاد هزار تومان برای چه  
قابل می شوید ؟

بنده از این حیث هم مخالفم و یگر بعضی  
جزئیات را چون چندان مهم نیست میگذارم  
برای شور دوم و امیدوارم آقایانه م با  
عقیده بنده موافق باشند

وزیر فوائد امامه - بنده فرمایش ام  
آقای کازرونی راهمنطور که خود ایشان  
تفاضا کر دند بادفت گوش دادم .

ابتداء نظر و قصد هیئت دولت را  
میخواهم بیان کنم به یعنی این عبارات آن  
مقاصد را تأمین میگند یا نه ؟ اگر میکند  
خیلی خوب است فصد دولت این است .  
وجوه بیکه بابت انحصار قندو شکر و چای  
پیدا می شود بعد از وضع مخارجی که در  
ماده پنجم منحصر آی راه آهن و احتیاجات

ولی و فروعی ما  
بت خواهد بود  
ماتجربه داریم  
ند تابت و دائم  
این مثل  
بت و مثل قانون  
کومنتها وغیره  
لمنی نیست  
نیول این قانون  
دولت و این مجلس  
ت .

که باز این قانون  
روی از من نیست  
و مخالفت کردم  
پلک ماموریت  
آنقدر من این طور  
نمیگردیم که قابل  
کنیم که امر روزه  
ت .

بم در این قانون  
باشد و مردم از  
کنند

بنویسم که قابل  
کنیم که امر روزه  
شود

است والا والیه  
میگنم والا قدس  
ابرای راه آهن  
ست

برای همین است  
جوشش و مخالفت  
پول وارد خزانه  
ولهای بیکه وارد  
هوايد مسائل

پلک مسئله حیاتی  
این کلمات که  
حیات نیست وطن  
وطن در خطر  
با هم بار این  
 بشود با خیر ؟  
بت بطرف اجاتب  
ظره است حالا

قانونیست که اگر قوانین اقتصادی را می‌خواهد باید این را در میان این قوانین ایجاد کند این قانون از این نظر معتبر است.

هر چیزی که راجع به کسری این قانون واجب الاجراء است قانون انجمنهای ولایتی بلندیه نیست. مثل قانون نیست مثل قانون ابیه این قانونی است بهجهت کفر ثابت است منحصر با مردم ایران و این مخبر را این آقا و من نیز سالها خواهد گذشت موجود خواهد بود و هیچ که بگوییم دیر و زمان اینچه و شاید آقا هم اینجا نباشد بزرگتری داشته باشند که مدافعت کردم. با پستی هر چه می‌خواهد کنیم که این قانون تو دری این قانون بتوانند در این قانون را طوری استفاده باشد یعنی باید فکر محيط مامتد استفاده ایجاد فکر کنیم که ده آت یکمده بواسطه بعضی و از بعضی مواد این قانون بکنند و بکنند و بکلی این قانون از هم دچار خسارت و مشکلات بخوبی اتفاق نکرایم تمام این کمال موافقت را دارم هر چه دولت این است که این بتواند قصد ماهم همین آفای مخبر هم که دفاع می‌کنند این است علت کوشش بخوبی اینجا بگوید این دولت بتواند و مثل صادرات خزانه دولت بتواند و جزو عدومی مملکت بتواند غرض بسیار خوب نه آنوقت نز و همتری بیش بیاید تبدیل و می‌گویند مسئله در خطر است همان ساعتی که گفتند است آنوقت باشیم این بتواند ممکن است استقرار این می‌گویند لازم نیست دارای از کنیم حیات ما در میان عقیده دارم که این ماده باید اصلاح شود که این بول در وزارت مالی نباشد که در دسترس دولت باشد باید بیک با انکی سپرده شود تا لایحه راه آهن تقدیم مجلس شود و این بول مخصوصاً با مصرف بر سر مخبر - البته تصدیق می‌فرمایید که این موضوع فعلاً مربوط بمسئله تأسیس بانک نیست شاید با جذابیت هم آفایان در ناسیب باشند همان معمقیده باشند و همانطور که در جلسه پریروز عرض کردم خود دولت مخصوصاً آفای رئیس وزراء هم در این خصوص نظریاتی داشتند که حالاندم نمی‌هوایم در آن باب عرض بگنم ولی اینکه فرمودید ممکن است از این فعل را شتی بگذرانند اطمینان میدهم به چوچه من الوجه ممکن فباشد بیک دینار از این وجوه بعیج مصرفی جز اینکه حالمین می‌فرمایید یعنی بمصرف راه آهن و سایر احتیاجات مربوطه بآن بمصرف دیگری بر سر رئیس آفای کازرونی -

(اجازه)

کازرونی - در مسئله راه آهن گمان می‌کنم هیچیک از ماماها اختلافی نداشته باشیم و بنده بیشتر از آفایان عقیده دارم که بهر طریقی از طرق که دولت دسترس پیدا کند و داشته باشد بایستی تهیه راه آهن کنند، بواسطه اینکه جیات مملکت بعد از این بسته بوجود وایجاد راه آهن است وسوسای این راهی ندارد.

بنده عقیده دارم که اگر بیک طریق اطمینان بخشی ممکن بود تمام حاصل زحمات مردم گرفته شود و مصرف راه آهن شود و هر دم منحصر آن جو و سبزی معاش کنند زیاد نبود.

ولی حرف در این است که ما بایستی طوری این نظریه را تأمین کنیم که بعد از دچار بعضی مشکلات نشویم و بواسطه پاره اتفاقات که ممکن است روی بدده این مقصود مقدس از بین برود چنانکه در جلسات گذشته هر چنین کرد اگر این مسئله از بین رفت ما بایستی مایوس باشیم. چون بهترین طریقی که تو استیم بپدا کنیم همین است و از آفای مخبر استدعا می‌کنم عرایض بنده را بایک وقت نظری تلقی بفرمایند. چون بنای مخالفت و معارضه کے درازیم.

غرض مشورت و تذکر و مذاکره است بلکه راه حلی بپدا کنیم نه اینکه بهر اسانی باشد بیک جوابی بینده داده شود.

بنده هم یک الفاظی برای اظهار مخالفت گفته باشم این قانون بیک قانون ثابتی است بیک

شورای ملی معین گردد.

بیش نهاد آفای محمد خان معظمی - بخده پیش نهاد می‌کنم از سطر دوم ماده هشت از کلمه ویا حقوق تا معین گردد - حذف شود.

بیش نهاد آفای ارباب کیخسرو - بنده بیش نهاد می‌کنم از آخر ماده هشت این جمله حذف شود، ویا حقوق و عوارضی که بعد این معین گردد.

بیش نهاد آفای کازرونی - بنده بیش نهاد می‌کنم که ماده هشت حذف شود.

بیش نهاد آفای هایم - بیش نهاد می‌کنم در ماده هشتم: بعوض بعدها نوشته شود: با تصویب مجلس شورای ملی -

رئیس - ماده نهم

(شرح آنی فرائت شد)

ماده ۹. کلیه عوائدی که از انصار قند و چای برای دولت حاصل می‌شود پس از مبالغی که در تبصره ماده ۳ و ماده ۱۱ مذکور است در حساب مخصوصی گذارده شده و سرمایه ذخیره مخصوصی را تشکیل خواهد داد و سرمایه مزبور منحصر آن مصارف ذیل خواهد رسید:

- ۱- بدوانم وجهی که از طرف خزانه داری گل بعلوان سرمایه (انصار دولتی قند و چای) مطابق مقررات ماده ۱۱ داده شده است بخزانه داری گل مسترد خواهد شد.
- ب- بقیه عوائد حاصله منحصر آبرای ساختن راه آهن و احتیاجات مربوطه با آن تخصیص داده خواهد شد.

تبصره - لایحه ساختن راه آهن بعد از تهیه شدن از طرف دولت برای آنچه می‌گذرد شد.

تبصره - لایحه ساختن راه آهن بعد از تهیه شدن از طرف دولت برای آنچه می‌گذرد شد.

رئیس - آفای حائزی زاده -

(اجازه)

حاائزی زاده - ما بیک با انکی امشی بود داشتیم حتی یکنفر امریکائی هم برای تنظیم آن استخدام شد

حالات نیب آن چه شده است بنده درست اطلاع ندارم ولی می‌خواهم عرض کنم که این بول برای مخارج جاری دولتی نیست در خزانه دولت بودن مورد ندارد خوب بود در این ماده تصریح شود که این بول در بانک مخصوص ایران گذاشته شود و سرمایه بانک شود و راه آهن راهم همان بانک وسائلش را فراهم کند.

خدمتی استخدام کند لواحی هم که باید تهیه شود ترتیبیش را بانک بدده بدینه ایست دولت که بیک مخارج جاری بپدا کرده بیک بولی هم آنچه است و هنوز هم لایحه راه آهن درست نشده است که خرچش بشود ممکن است از این محل بیک مخارجی بشود و این بمقابله بنده کارخوبی نیست و

دوره هفتم		روزنامه دینی گشوارشا فنا	صفحه ۱۱۸۷
دولت مکلف است که بکماده باز	که لا بعده راه آهن بعداز بکماده باز	۱۰۹- در سطر اول بجای کلمه دولت نوشته	است که از طرف دولت ملاحظه شود والبته
تصویب این قانون تقدیم مجلس شورا و داشتگان مطالعه راه آهن	تصویب این قانون تقدیم مجلس شورا و داشتگان مطالعه راه آهن	ذیل ماده ۹ باین طریق اصلاح شود	کمیسیون هم نوجه خواهند کرد و آفایان هم
داشروع و لوازم آن را غرام آورد	پیشنهاد آفای میشوند که تمدن	تجوی خواهند فرمود	تجوی خواهند کرد و آفایان هم
رئیس - مادر، ده	(بسیار ذهل فرات شد)	هیچ راه نه تصویبی کمیسیون فرار داده	هیچ راه نه تصویبی کمیسیون فرار داده
ماده ۱ برای سرمایه دوست (انصار)	پیشنهاد آفای میشوند که بعد از	دو نقصت اضفای داده شود و مصرف و حقوق	از تصویب در حقیقت آنرا به این مخالف
دو ائمه شدید تقدیم نمایند	تصویب این قانون دولت مکلف است که	دیگری قبیله ایشان را بدست دولت امن از این	تبودند نقطه یا تندیز کاری دادند.
یا کمیون تومن تومن اعتبار بتوژارث مالیه	لا پیشنهاد آفای شریعت زاده بنشد	یعنی دایم شوادر شد	یعنی دایم شوادر شد
اعطا چند ناید	پیشنهاد می کنم تصریه ماده ۹ بترتیب ذیل	بینهاده آفای به همانی	بینهاده آفای به همانی
رئیس - آفای حائزیزاده	اصلاح شود	بنده پیشنهاد نمایم در ماده ۹ بطریق	بینهاده آفای به همانی
(اجازه)	باشند	ذیل اصلاح شود.	ذیل اصلاح شود.
حائزیزاده - یک طرف قاتوئی در شهاده	دو نقصت اضفای باز	ب- تصریه دولت مکلف است از تاریخ	ب- تصریه این ماده این عبارت
پیش از طرف یکمده از آفای	این قانون کمیسیون مرکب از مطبین	تصویب این قانون ناسهاده لایحه راجمه	کد آفای به جای فرمودند پیشنهاد این عبارت
نمایندگان مجلس پیشنهاد شد که آفای	درسته شود (قبل از اجرای این	باختمان راه آهن و مؤسسات مربوطه با آن	شد قدراین انتخاباتی این عبارت آن
مغافر معترم هم همان طرح را مجلس	قانون) پیشنهاد آفای نمایند	هر ضمیم کمیسیون بقول میکنند و هر عبارت	آن اختیارات دولت را ملزم مکنند که پیام
نودند	پیشنهاد آفای آخوندی مفوب تصریه	خدمه میکنند کمیسیون کمیسیون خواهد	کرد بجای اینکه این بول بمصرف دیگر
ماده ۲ آن طرح شکلی نوشته شده	ذیل را پیشنهاد ماده ۹ میکنم	فرمودند بقول میکنند که باید این	فرمودند آفای بمصرف اوری
که مازا از این ماده ده پیشنهادی دولت	بجهیک ازو زارت خانه احق مداخله	باخوان شد پول لازم است و هیچ عملی هم	با این درجه شدت بدهند که بگویند دمال
تصویبی کمیسیون بگلی مستخفی می کند	در واید حاضر از این مالیات ندارند چنانچه	غیر از این عواید در نهادیم و مجلس باشد	بعد ممکن است یک حادثه مهمی پیش بیان
آنجا سرمایه دولت را هدایت از شرکت	یاکوزی میشوند میکنم که قسمت از	تصویبی کمکند که از این عواید است خاص	وزیر این حمام است یک معاشر اوری
بانچار فرازداده بودا این را خلی علی	این قانون کمیسیون مرکب از مطبین	محلی که فعلا خلی موم است بر این	مالیات یعنی اندادن بول است
است	باشند	باشند	و اما اینکه آفای تقدیم میکنند که این
تاجز میتوخاد سرمایه خود را بکار	دشمن شد	باشند	باشند
بنیاد از امرور خودش فندوکش کار و ردمی	شروع بشود	این اینکه غرمواند در آنها میکنند	والی بقیه من اگر این مودودی
کند فردا می رویدا دولت شرکت می کند	تصویب این لایحه ساختمان راه آهن	است همین دولت بهین مجلس یک پیشنهادی	راهم فرض کنیم اولا بدیست که اگر در
حق احصاری دولت راهم میبدهد و باهان	۱۰ ماده ۱۱ مذکور است پایه در حساب	دوشود	بکنونی مملکت احتیاج بیک استخراج این
سرمایه که بیشتر کسب می کرده کسب	مخصوص کشیده شده سرمایه مخصوصی	باشند	داشته باشند و ناید راهی را
خودش را ادامه میبدهد آن ماده این شکل	راشکیل داده که این سرمایه از هنوز	باشند آنرا مانع تو این امر و پیش بیش	راهی را کهیان و اشاره فرمودند چیز و چه
نوشته شده بوده	تصرف و دخانی لوله پاشدنه انجام	کشیده میکنند	وچی که از مردم گرفته شدند حتی القدر
دولت حق دارد هر تاجری را در این	باشد و پیش بیانه ذیل اصلاح	شما امروز این رای را میدهید ممکن	نباید خرج یک مصارف این اینکه فرمودند
تجارت شرکت داده از حق احصاری خود	گردد	است بعد از این یک رانی بشهید که این رای	در قانون تخصیص داده باشد
به مناسه	کلبه هایکی از ازمالیات قند	را رسخ کند	این است که بشده یک پیشنهادی دو
در صورتی گدر مقابل اجازه هر یکمن	حاصل می شود در این راسته سرمایه مخصوصی	ما آنرا امروز استوانیم پیش بینی	این باب کرد
قند و شکر و حلويات دوقران و از هر یکمن	را شکل خواهد داد که این سرمایه مزبوره به	کنیم و اما راجع بقسمت خط آهن که فرمودید	یعنی اگر باز دو لشانی باشند که
چای شتران از آنها در بافت دارد	مستند و توصل باحتیاج احدي و اداره و	محل تأمین هیچ گونه مغارج و فقر و تهدیدی	خودشانرا مطبخ قانون بدانند
در این صورت محتاج بقیه بگذریم	تخصیص ذیل که مفاوضه شد	که خارج از فرق امشاره الف وبباشد	را که حالا گذشت اطاعت خواهد شد
ها و ادارات جدی همی شود و همین مطلع	باشند	توانند شد و دولت مکلف است در صورتی	اگر یک مملکت احتیاج بیک استخراج این
که دولت از این قانون دارد به عمل می رسد	یعنی داشتگی این لایحه	که بخواهد این وجود را در محلی و دیده	دازد
آبید و بشده با این که پیکلیون از خزانه	یعنی داده این سرمایه	بکناره پبلانیات لازم	مقسود استخراج این نمیکند
ملکت اتفاقاً دارد شود بیکه سه برای	پیشنهاد آفای هایم پیشنهاد میکنم	بکناره تخصیص از این	یعنی اگر این بول رابجای اینکه
خرید قندوچایی که دو لشانی باشد	ماده نهور تصریه این نماید	مختصه را برای ماخن راه آهن	خواهند داری بکناره در بالک میکند
بانچاری که کسبشان خرید قندوچای بوده	باشند	دشمن از طرف دولت باید داشته باشد	لایحه ساختمان راه آهن بعد از تهیه
رقابت کند	یعنی داده این شیروانی ماده نه	کشیده شود.	شدن از طرف دولت برای توصیب بمجلس
در صورتی که خود تجارهم حاضر باشند	باشند	جمهوری اسلامی گان - مذاکرات	شورایم تقدیم خواهد شد
که آن حق احصاری دولت را پیر دانندو	بطریق ذیل اصلاح میکنم	کافی است	اواین مسٹه مسلم است که برای این
قانون هم که از مجلس شورای ملی ایران	ماده ۹ کلیه هواندیکه احصار قند	ریمیں - مذاکرات راه آفایان کافی	کاریعنی ماخن راه آهن متخصص هم لازم
گذشت البته جون تبعه ایران هستند که	و باشند	میدانند ۹ (کفتند بابی)	است چنانکه بعد هم آفایان لایحه اش را
اطاعتمند میگردند	پیشنهاد آفای کارهای این	ریمیں - بیست و سه فقره پیشنهاد	کن مملکت است چه فرق میکند؟ چه در
چای شتران از آنها در بافت دارد	باشند	است فرات شود پایه های زیرا	بانک است وانتم مثل خزانه داریست تمام
در این صورت محتاج بقیه بگذریم	یعنی داده این شیروانی ماده ۸	نادرد که یکمیں کارهای این میکند	اینها شعبات بگذریم در خزانه داریست تمام
ها و ادارات جدی همی شود و همین مطلع	باشند	شیر و آفی - بخوانند	کارهای اداره است که اینم آخونه داری
که دولت از این قانون دارد به عمل می رسد	باشند	آفاییدی عقوب - چه ضری دارد	شوندند آورده
آبید و بشده با این که پیکلیون از خزانه	باشند	قرائت شود	ولی این را متد کر نشدن که یک
ملکت اتفاقاً دارد شود بیکه سه برای	یعنی داده این شیروانی ماده ۶	علاقه برایین این قسمت که دولت هر	باشند هر یکمیں نمیکند
خرید قندوچایی که دو لشانی باشد	باشند	وقت لا چیز از راحاضر کرد بمجلس مبارود	باعضی از اینها گذشت
بانچاری که کسبشان خرید قندوچای بوده	یعنی داده این شیروانی ماده ۷	بنام مارا فانع نمیکند	کافی است
رقابت کند	باشند	باشد دولت ملزمه باشد که درصد باشد	مذاکرات راکن میدانند
در صورتی که خود تجارهم حاضر باشند	باشند	بعد از تصویب این قانون آن لایحه را	نامی بگذریم
که آن حق احصاری دولت را پیر دانندو	باشند	میکند و حاضر میگردد	در خزانه داریم
قانون هم که از مجلس شورای ملی ایران	باشند	که دراین قسمت هم بشده پیشنهاد کرد	اس سامپانکرا در دنی از نظر این
گذشت البته جون تبعه ایران هستند که	باشند	که دراین قسمت هم بشده پیشنهاد کرد	تامیم سرمایه از نظره بیش پیش شده
اطاعتمند میگردند	باشند	از طرف دولت بخواهد شد	همینجا است
چای شتران از آنها در بافت دارد	باشند	قرائت شود	علوه برایین این قسمت که دولت هر
در این صورت محتاج بقیه بگذریم	باشند	(بشری ذیل خواهد شد)	وقت لا چیز از راحاضر کرد بمجلس مبارود
ها و ادارات جدی همی شود و همین مطلع	باشند	یعنی داده این شیروانی ماده ۹	بعضی از اینها گذشت
که دولت از این قانون دارد به عمل می رسد	باشند	کارهای این میکند	کافی است
آبید و بشده با این که پیکلیون از خزانه	باشند	مذاکرات راه آفایان کافی	مذاکرات راکن میدانند
ملکت اتفاقاً دارد شود بیکه سه برای	باشند	ریمیں - چه ضری دارد	نامی بگذریم
خرید قندوچایی که دو لشانی باشد	باشند	شیر و آفی - بخوانند	اس سامپانکرا در دنی از نظر این
بانچاری که کسبشان خرید قندوچای بوده	باشند	آفاییدی عقوب - چه ضری دارد	تامیم سرمایه از نظره بیش پیش شده
رقابت کند	باشند	قرائت شود	علوه برایین این قسمت که دولت هر
در صورتی که خود تجارهم حاضر باشند	باشند	(بشری ذیل خواهد شد)	وقت لا چیز از راحاضر کرد بمجلس مبارود
که آن حق احصاری دولت را پیر دانندو	باشند	یعنی داده این شیروانی ماده ۹	بعضی از اینها گذشت
قانون هم که از مجلس شورای ملی ایران	باشند	کارهای این میکند	کافی است
گذشت البته جون تبعه ایران هستند که	باشند	آفایان گذشت	مذاکرات راکن میدانند
اطاعتمند میگردند	باشند	و این میکند	ریمیں - چه ضری دارد
چای شتران از آنها در بافت دارد	باشند	که دراین قسمت هم بشده پیشنهاد کرد	ریمیں - چه ضری دارد
در این صورت محتاج بقیه بگذریم	باشند	که دراین قسمت هم بشده پیشنهاد کرد	ریمیں - چه ضری دارد
ها و ادارات جدی همی شود و همین مطلع	باشند	که دراین قسمت هم بشده پیشنهاد کرد	ریمیں - چه ضری دارد
که دولت از این قانون دارد به عمل می رسد	باشند	که دراین قسمت هم بشده پیشنهاد کرد	ریمیں - چه ضری دارد
آبید و بشده با این که پیکلیون از خزانه	باشند	که دراین قسمت هم بشده پیشنهاد کرد	ریمیں - چه ضری دارد
ملکت اتفاقاً دارد شود بیکه سه برای	باشند	که دراین قسمت هم بشده پیشنهاد کرد	ریمیں - چه ضری دارد
خرید قندوچایی که دو لشانی باشد	باشند	که دراین قسمت هم بشده پیشنهاد کرد	ریمیں - چه ضری دارد
بانچاری که کسبشان خرید قندوچای بوده	باشند	که دراین قسمت هم بشده پیشنهاد کرد	ریمیں - چه ضری دارد
رقابت کند	باشند	که دراین قسمت هم بشده پیشنهاد کرد	ریمیں - چه ضری دارد
در صورتی که خود تجارهم حاضر باشند	باشند	که دراین قسمت هم بشده پیشنهاد کرد	ریمیں - چه ضری دارد
که آن حق احصاری دولت را پیر دانندو	باشند	که دراین قسمت هم بشده پیشنهاد کرد	ریمیں - چه ضری دارد
قانون هم که از مجلس شورای ملی ایران	باشند	که دراین قسمت هم بشده پیشنهاد کرد	ریمیں - چه ضری دارد
گذشت البته جون تبعه ایران هستند که	باشند	که دراین قسمت هم بشده پیشنهاد کرد	ریمیں - چه ضری دارد
اطاعتمند میگردند	باشند	که دراین قسمت هم بشده پیشنهاد کرد	ریمیں - چه ضری دارد
چای شتران از آنها در بافت دارد	باشند	که دراین قسمت هم بشده پیشنهاد کرد	ریمیں - چه ضری دارد
در این صورت محتاج بقیه بگذریم	باشند		